

نظری به مکتب ادیان

(۹)

کتاب خدا اختلاف و تناقض ناپذیر است
آیا ممکن است پیغمبری بهای چو بهای مسجد را شراب بدهد؟
پهلوانیکه بر خدا غالب شد!

شریعت خدائی با قساوت و حشیانه سازش ندارد

* * *

یکی از امتیازات کتاب آسمانی بر سایر کتبی که فرآورده افکار و محصول مغز بشری است، آنستکه او از هر جهت فاقد اختلافات و هر گونه تعارض و تناقض است بخلاف کتبای غیر آسمانی که هر چند کمال توجه و دقت در تصنیف و تألیف آن شده باشد باز خالی از اختلاف نیست و کلیه مطالب آن مورد تعقل و تصدیق همگان نخواهد بود، و ممکن است در عصر مصنف و مؤلف آن یا در اعصار و ادوار بعدی مورد اشکال قرار گیرد و لذا خداوند عالم قرآن مجید را با این امتیاز توصیف نموده و بی شبهه و بلا اشکال و اختلاف بودن مطالب آنرا برهان قاطع بر حقانیت و کلام خالق بودن آن معرفی مینماید سپس میفرماید: **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا** (نساء آیه ۸۴) و آیا تأمل نمیکنند در باره قرآن اگر این کتاب (مانند سایر کتب) گفتار الهی نبود هر آینه اختلافات بسیاری در او می دیدند، با این بیان بخوبی روشن میشود که تورات و انجیل کنونی با اینهمه اختلافات و تناقضات ممکن نیست همان کتاب آسمانی باشد که بر حضرت موسی و عیسی (ع) نازل شده است.

تورات با اینکه زنا و لواط و شرابخواری و آدمکشی را شنیع و نامشروع

میشمارد و ارتکاب آنها را گناه غیر قابل گذشت میداند و نیز پیغمبران و نمایندگان الهی و راهنمایان طریقه توحید را می ستاید و آنان را لایق مقام قرب ربوبی میداند باز مکرراً دیده میشود که ارتکاب همه افعال زشت را با قبیح ترین وجه نسبت بسفراء الهی و برگزیدگان جامه بشری میدهد .

درسفر اشعیا نبی باب ۲۸ بعد از آنکه شراب و میکساری را مذمت میکند و پیغمبران را می ستایده میگوید: ولکن اینان نیز از شراب گمراه شده اند و از مسکرات سرگشته گردیده اند؛ هم کاهن و هم نبی از مسکرات گمراه شده اند و از شراب بلعیده گردیده اند، از مسکرات سرگشته شده اند و در رو با گمراه گردیده اند و در داوری مبهوت گشته اند (کتاب مقدس ص ۱۰۳۹).

از این عجیبتتر درسفر خروج باب ۲۹ عدد ۴۱ ، و سفر لوی باب ۲۳ عدد ۱۳ و سفر اعداد باب ۱۵ عدد ۵ ، و باب ۲۸ عدد ۷ چنین میگوید: خدا بموسی امر کرد که مقداری کربع هین (مقدار مینی بوده) شراب بعنوان هدیه برای خداوند حاضر کن و در جای دیگر شراب دادن با فرادرا انفاق فی سبیل الله میسرود.

آیا ممکن است پیغمبری بهای چوبهای مسجد را شراب بدهد؟
از همه مضحکتر آنکه در باب ساختن حضرت سلیمان بیت المقدس را میگوید که سلیمان تصمیم گرفت خانه عظیمی برای خداوند بسازد، نزد حورام پادشاه صور فرستاد که مقدار زیادی چوب سرو آزاد و صندل لبنانی بر او بفرستد و نیز چوب بران ماهر و صفتگر برایش گسیل دارد و مزد آنانرا تعیین نموده چنین می نویسد: و اینک بچوب بران که این چوب را می برند من بیست هزار کر گندم کوبیده شده و بیست هزار کر جو و بیست هزار بت شراب و بیست هزار بت روغن برای بندگانت خواهم داد . (کتاب دوم تاریخ ایام باب ۲ ص ۶۷۳) ابدأ نویسنده تورات فکر نکرده که در همین تورات مکرراً از شراب مذمت کرده و او را حرام دانسته؛ چگونه اینجا نسبت بسلیمان پیغمبر میدهد که بهای چوبهای مسجد و مزد کارگران آنرا بیست - هزار بت شراب قرار داده است.

از اینها خیره کننده تر آنکه این تورات گاهی خداوند عالم را بسورت انسانی معرفی میکند که آدم و حوا صدای پای او را که در بهشت را می رفتن میشنیده اند

ولای درختها پنهان شده اند که خدا آنها را نه بیند و همچنین بعضی از پیغمبران با او تماس بگیرند و روبرو با او صحبت کنند و یعقوب از سر شب تا صبح با او کشتی بگیرد .

پهلوانیکه بر خدا غالب شد !

در سفر پیدایش باب ۳۲ ص ۵۰ میگوید : و یعقوب تنها ماند و مردی با وی تا طلوع فجر کشتی میگرفت و چون او دید که بروی غلبه نمیباید کف را ن یعقوب را لمس کرد و کف را ن یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد پس گفت : مرا را کف را زیرا که فجر میشکافد : گفت : تا مرا برکت ندهی ترا را نکند بوی گفت نام تو چیست ؟ گفت یعقوب گفت از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه اسرائیل (پهلوان خدا) زیرا که با خدا و با انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی و یعقوب از او سؤال کرده گفت : مرا از نام خود آگاه ساز گفت : چرا اسم مرا می پرسی و او را در آنجا برکت داد و یعقوب آن مکان را افتخار نامیده گفت : زیرا خدا را روبرو دیدم و جانم رستگار شد و چون از فتوئیل گذشت آفتاب بروی طلوع کرد و بران خود می لنگید از این سبب بنی اسرائیل تا امروز عرق النساء را که در کف را نست نمی خوردند زیرا کف را ن یعقوب را در عرق النساء لمس کرد .

زه خدا نیکه با یکی از بندگانش کشتی بگیرد و نتواند او را بزمین زند و بنده او بازور از او برکت بگیرد ! آیا از چنین کتاب هر چند جمعی نسنجیده او را کتاب آسمانی بدانند انتظار میرود که شریعت حقه الهیه را بمردم برساند ؟ آیا چنین کتابی راهنمای بشر بسوی توحید و سر منزل سعادت ابدی خواهد بود ؟ آیا گفتار چنین کتابی میتواند نزد عقلای عالم نسبت بخالق آسمانها و زمین و کلیه موجودات داد ؟

البته احکامی راهم که چنین کتابی برای مردم بیان کند متناسب با سایر مطالب آن خواهد بود زیرا ملاکش سازش با عقل نیست بلکه بمناسبت صلاح دید زمان علمای یهود آنها را اختراع کرده و بدروغ نسبت بشریعت موسی داده اند ، آیا با اینحال جای اشکالی میماند که یک شخص با انصاف بر ما اعتراض کند که چرا احکام

تورات و انجیل با احکامی که در شریعت اسلام مقرر شده بهیچوجه وفق نمیدهد ؟
 با اینکه شما گفتید خداوند عالم همه پیغمبران را فرستاده تا بقناسب مقتضیات زمانشان
 مردم را بسوی یکطرفه و یک حقیقت بخوانند و اصول احکام همه یکبست و از هر
 جهت مقررات آنان با عقل کامل سلیم موافق است زیرا آنچه از این تورات و انجیل
 کنونی برمیآید آنستکه موسی و عیسی مردم را بطریقی برده اند که پیغمبر اسلام
 مردم را بمسلك و طریق ضد بلکه نقیض آن دعوت نموده است. خیر . ما ساحت مقدس
 آن پیغمبران اولی العزم را بیاوه گوئیم که در این تورات و انجیل جعلی کنونی
 ذکر شده آلوده نمیدانیم بلکه آنرا چنانچه قرآن مجید توصیف فرموده منزّه
 و مبرادانسته بعنوان رهبران پی در پی اجتماع بسوی یکطرفه مستقیم و طبیبان روحی
 و روانی برای شناساندن منافع و مضار بشری بوسیله قول و عمل شناخته ایم .

شریعت با قساوت و وحشیانه سازش ندارد

خوب دقت بفرمائید تورات در سفر اعداد باب ۳۱ ص ۲۵۹ پس از بیان جنگ
 موسی با مدیانیان و کشتن تمام مردان ایشان چنین میگوید : و بنی اسرائیل زنان
 مدیانیان و اطفال ایشان را با سیری بردند و جمیع بهائم و جمیع مواشی ایشان و همه
 املاک ایشان را غارت کردند و تمام شهرها و مساکن و قلعه های ایشان را با آتش
 سوزانیدند و تمامی غنیمت و جمیع غارت را از انسان و بهائم گرفتند و اسیران و غارت و
 غنیمت را نزد موسی و العاذار کاهن و جماعت بنی اسرائیل در لشکر گاه در عربات
 مؤاب که نزد اردن در مقابل اریحا است آوردند و موسی و العاذار کاهن و تمامی
 سروران جماعت بیرون از لشکر گاه با استقبال ایشان آمدند و موسی بر رؤسای
 لشکر یعنی سرداران هزاره ها و سرداران سدها که از خدمت جنگ باز آمده بودند
 غضبناک شد و موسی با ایشان گفت : آیا همه زنان را زنده نگاه داشتید ؟ اینک آنانند که
 بر حسب مشورت بلام بنی اسرائیل را و داشتند تا در امر ففور بخداوند خیانت
 ورزیدند و در جماعت خداوند و با عارض شد پس الان هر ذکوری از اطفال را بکشید
 و از زنان هر زنی را که مرد را شناخته با او همبستر شده باشد بکشید و از زنان هر دختری
 را که مرد را نشناخته با او همبستر نشده برای خود نگاه دارید تا آنجا که میگوید : و
 العاذار کاهن بمردان جنگی که بمقتله رفته بودند گفت : اینست قانون شریعتی که

خداوند بموسی امر فرموده است و نیز در سفر تثنیه باب ۲۰ عدد ۱۶ و ۱۷ در جمله او امر خدا بموسی میگوید: اما از شهر این امنهائیکه یهوه خدایت ترا بملکیت میدهد هیچ ذی نفس را زنده مگذار بلکه ایسا ترا چنانکه یهوه خدایت ترا امر فرموده است بالکل هلاک ساز، واقماً انسان از ملاحظه این قساوت در کشتار اطفال بی گناه و زنان اسیر و حیوانات بی تکلیف و نسبت دادن آنرا بامر الهی نمیداند گریه کند یا بخندد؟ حقیقتاً کسانی که باور کرده اند این کتاب آسمانی است چنین جنایت و حشمت را چگونه بخداوند مهر بان نسبت میدهند از این وحشتناکتر در سفر یوشع باب ۹ و ۱۰ و ۱۱ میگوید: خدا بحضورت یوشع در چندین جنگ امر فرمود که تمام جان داران شهرهای دشمن را بکش و از زنان و اطفال و چارپایان احدی را زنده مگذار و شهرهای آنرا با آتش بسوزان؛ و یوشع این اوامر را اجرا کرد بطوریکه عدد کشته شدگان از صدها هزار تجاوز کرد، راستی عقل از شنیدن این نسبتهای ناروا میوهوت می ماند، گمان نمیرود کسیکه بهره ای از وجدان و عاطفه انسانی داشته باشد حاضر بپذیرش چنین شریعتی باشد، اساساً آنچه مسلم است خداوند رؤف پیغمبرانرا برای هدایت مردم و اصلاح وضع و حال آنان فرستاده و بلطف و رحمت خود انبیاء را از بر - بسته ترین افراد للاحظ خوی و خلق برگزیده و آنها را بمتأثرترین عواطف انسانیت و بردباری و رؤفت مزین ساخته است تا به بهترین وجه افراد بشر را بسوی سعادت دنیا و آخرت رهبری کنند و لذا در باره پیغمبر اسلام میفرماید: **فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الامر** (آل عمران آیه ۱۵۳) دای پیغمبر ما نرمی و اخلاق شیوا و پسندیده ات رحمتی است از جانب خداوند و هر آینه اگر سخت و سنگین دل و خشن بودی امت از گردت پراکنده میشدند پس از خطاهای آنان گذشت کن و برای آنان طلب آمرزش نما و بنظریات آنها در کارها اهمیت بده،